



سازمان مطالعه و تدوین (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



کتابخانه ملی و اسنادخانه
جمهوری اسلامی ایران

نگارش و ویرایش متون سیاسی

دکتر ابراهیم برزگر



نگارش و ویرایش متون سیاسی

دکتر ابراهیم برزگر

تهران

۱۳۹۹

سرشناسه: برزگر، ابراهیم، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: نگارش و ویرایش متون سیاسی / ابراهیم برزگر.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: هشت، ۲۱۱ ص.

فروست: «سنت»؛ ۲۳۵۳. علوم سیاسی؛ ۷۶.

شابک: ۷-۲۱۲۸-۰۲-۶۰۰-۹۷۸ ۲۵۰۰۰۰ ریال

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Ebrahim Barzegar. Writing and Editing Political Texts.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علوم سیاسی — نویسندگی، Political Science — Authorship

موضوع: نگارش علمی و فنی، Technical Writing

موضوع: ویراستاری متون فنی، Technical Editing

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.

شناسه افزوده: شورای عالی انقلاب فرهنگی. شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۹ JA ۸۶

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۶۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۹۶۳۴۱



نگارش و ویرایش متون سیاسی

دکتر ابراهیم برزگر (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی)

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و

عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazman_samt

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اگر در کتاب یا نوشته‌ها چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند و از گهواره تا قبر به هر چه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گذاری شود، مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپس‌زده خواهد بود.

(وصیت‌نامه سیاسی - الهی، بنده)

سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تکمیل این مقصود (بازنگری و تدوین سرفصل‌ها و منابع علمی معتبر با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی)، در تاریخ ۸۸۷/۲۱ یک شورای تخصصی را به عنوان مرجعی ثابت برای تحول و سیاست‌گذاری و نظارت در حوزه علوم انسانی تعیین کرد و آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی را به تصویب رساند.

شورای تحول پس از تدوین و تصویب برنامه‌های آموزشی دروس و سرفصل‌های جدید رشته‌های علوم انسانی، تألیف متون درسی دانشگاهی را مطابق با سرفصل جدید با دعوت از اندیشمندان و اساتید برجسته دانشگاهی و حوزوی در دستور کار خود قرار داد.

سازمان «سمت» به عنوان عضوی از اعضای شورای تحول با سابقه طولانی و تجربه موفق چندین دهه خویش در تألیف و ترجمه منابع علوم انسانی در کنار مأموریت مصوب خویش در تحقق اهداف شورای تحول نیز همکاری نزدیک داشته و در تمامی مراحل تدوین از قبیل مؤلف، نظارت بر تأمین محتوا و ارزیابی‌های علمی و آموزشی به صورت مشترک با شورای تحول همکاری دارد؛ علاوه بر آن، عهده‌دار مراحل نشر متون مزبور نیز می‌باشد.

دشواری تألیف متون درسی دانشگاهی بر اهل نظر پوشیده نیست و به همین جهت در این راه نیل به کمال مطلوب می‌باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌های پایایی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که استادان محترم از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این دو نهاد را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «نگارش و ویرایش متون سیاسی» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: کلیات
۷	چیستی و اهمیت ادب سیاسی
۹	تأثیرات متقابل تحولات سیاسی و ادب فارسی
۱۱	پیشینه ویرایش در جهان اسلام
۱۲	پیشینه ویرایش در ایران
۱۳	ویراستاری به مثابه حرفه و شغل
۱۳	ویراستاری در متون سیاسی
۱۴	وجه سیاسی ویراستاری
۱۶	زبان دیپلماتیک و زبان علمی
۱۶	مهارت زبان دیپلماتیک
۱۷	چند مثال از زبان دیپلماتیک
۱۹	زبان علمی و دانشگاهی
۲۰	صراحت در زبان علمی
۲۱	لزوم ویرایش
۲۱	استعاره‌ها بر ضرورت ویرایش
۲۲	کار ویراستار
۲۲	انواع ویرایش: فنی، نگارشی و تخصصی
۲۲	۱. ویرایش محتوایی در تألیف و ترجمه
۲۴	۲. ویرایش نگارشی و زبانی
۲۶	۳. ویرایش فنی (صوری)
۲۷	ویژگی‌های سه‌گانه ویراستار
۲۷	۱. ویژگی‌های بینشی ویراستار
۲۸	۲. ویژگی‌های گرایشی: شَمّ عیب‌یابی
۲۹	۳. ویژگی‌های رفتاری و مهارتی ویراستار
۳۲	فصل دوم: شیوه‌های نگارش
۳۲	شیوه خط فارسی (املا)

۳۳	قواعد کلی پیوسته‌نویسی و جدانویسی
۳۶	صورت املایی «به»
۳۷	قواعد نگارش همزه
۳۸	قاعده الف کوتاه (مقصوره، ی) = قاعده شورا
۳۸	قاعده امپراتور
۴۰	«ه» ملفوظ
۴۰	«ه» غیر ملفوظ
۴۱	قاعده کاربرد عربی در فارسی
۴۲	قاعده اجتناب از تنوین
۴۳	اصل «اقتصاد زبان» یا کم کوشی در زبان؛ حذف عناصر جمله
۴۴	قاعده اجتناب از «و»/قاعده «خُرد»
۴۵	«واو» عطف زائد
۴۵	واو معدوله
۴۵	قاعده لشکر
۴۷	اصل اقتصاد زبان در نگارش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی
۴۷	نشانه‌گذاری نگارشی (سجاوندی) و ویرایشی
۴۸	مهم‌ترین نشانه‌ها
۵۱	نشانه‌گذاری ویرایشی
۵۲	تلفظ و املای درست واژگان متشابه
۶۰	هم‌نویسی
۶۶	هم‌آوا/هم‌نویسی
۶۸	واژه‌های همگون
۷۵	واژه‌های به ظاهر مترادف (به غلط مترادف پنداشته می‌شود)
۷۹	بار عاطفی متفاوت واژه‌ها
۸۰	توجه به بار معنایی واژگان
۸۱	گونه مؤدبانه
۸۱	واژه‌های دخیل یا قرضی و تمایز معنایی واژه‌ها در فارسی و عربی
۸۲	درست خوانی
۸۳	شیوه نگارش واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی بیگانه در فارسی
۸۷	نگارش کلمات عربی در فارسی
۸۹	معضل تفاوت نام‌های قدیمی
۹۰	صورت املایی اعداد

سال نگاری

۹۳

آغازها و سرواژه‌ها

۹۳

برخی آغازها و سرواژه‌ها در زبان انگلیسی

۹۵

فصل سوم: نگارش ویراسته

۹۶

قاعده گرت‌برداری

۹۶

الف) گرت‌برداری معنایی

۹۶

ب) گرت‌برداری نحوی

۹۷

برخی موارد گرت‌برداری

۹۹

اجتناب از تعابیر عامیانه

۱۰۵

قاعده حشو یا تکرار

۱۰۶

خطاهای دستوری

۱۰۸

۱. خطاهای کاربرد نادرست جمله

۱۰۸

۲. خطاهای کاربرد نادرست فعل

۱۲۷

۳. کاربردهای نادرست حرف (اضافه، نشانه و ربط)

۱۳۶

فصل چهارم: نگارش علمی متون سیاسی

۱۴۴

پاراگراف‌نویسی و انواع جملات در متون علمی (مقاله، پایان‌نامه و کتاب)

۱۴۴

شکل ظاهری پاراگراف

۱۴۵

ربط پاراگراف با کل نوشته

۱۴۵

ساختمان یک پاراگراف و انواع جملات آن

۱۴۶

زاویه دید

۱۵۱

دو شیوه برای بسط پاراگراف‌ها

۱۵۴

تمرین

۱۵۶

ویرایش عنوان

۱۶۰

نگارش و ویرایش گزارش‌های سیاسی

۱۶۴

فصل پنجم: درست‌نویسی و درست‌خوانی واژه‌های برگزیده سیاسی

۱۶۶

فرجام سخن

۲۰۴

منابع

۲۰۶

تقدیم به

همسر عزیزم سرکار خانم محبوبه حقیقی که سهمی
تعیین کننده در حیات علمی و آثار و فعالیت های پژوهشی
بنده داشته اند.

واخذفوا من فضولکم واقصدوا قصد المعانی وایاکم و الاکثار
فان اموال المسلمین لا تحمل الاضرار: مطالب زائد را حذف
کنید (فقط اصل مطلب را ذکر کنید) نظرتان رساندن
معنای مقصود باشد. از زیاد نوشتن پرهیزید. زیرا نباید به
اموال مسلمانان ضرر رساند.

بخشنامه ابلاغی امام علی (ع) برای نگارش
مکاتبات اداری و سیاسی (الحیات، ج ۹، ص ۱۷۶).

مقدمه

این درس فواید و مزایایی دارد که می‌توان خلاصه‌وار به آن اشاره کرد:

۱. کسب مهارت و مهارت‌افزایی: یکی از کاستی‌های رشته علوم سیاسی که در
بررسی‌های پیمایشی دانشجویی و بازخوردهای دانش‌آموختگان این رشته و گفتگو با
صاحب‌نظران به دست آمد، کمبود دروس مهارتی است. بنابراین، این درس برای تقویت مهارت
دانشجویان طراحی شده است. مهارت نگارش علمی، مهارت کاربرد ادبی واژگان و عبارات
فارسی در متون سیاسی، مهارت ویرایش متون سیاسی از جمله مهارت‌های مد نظر است.

۲. کاربرد فردی: محتوای این درس می‌تواند در مقاله‌نویسی، گزارش نویسی، مکاتبات
اداری، پایان‌نامه نویسی و حتی نگارش کتاب و به طور کلی در همه عرصه‌های زندگی
شخصی و اداری و کاری فرد همواره مفید باشد. وقتی فرد مهارت درست‌نویسی و زیبانویسی
را آموخت، به طور طبیعی در نوشتار و گفتار خود نیز آن را به کار می‌بندد. ممکن است فردی
نخواهد با آموزش این کارگاه و درس، حرفه ویراستاری را برگزیند؛ اما دست کم این گونه فکر
کند که از این آموخته‌ها برای آراستگی نوشتار خود بهره گیرد و فقط بخواهد درست‌نویسی را
در نوشته‌های خود هدف گذاری کند.

۳. کمک به رفع مشکل اشتغال: نظر به مهارت‌افزایی این درس، آموزش‌های اولیه این
موضوع می‌تواند کمک زیادی به آمادگی فرد برای ورود به بازار مستعد ویراستاری کند.

هرچند که فرد با گذراندن دو واحد درسی ویراستار نمی‌شود؛ اما با پیدا کردن مسیر و با استمرار و تمرین فردی می‌تواند در طی زمان و با تقویت سابقه کاری خود، سرنوشت زندگی‌اش را تعیین و حرفه ویراستاری را انتخاب کند.

۴. افزایش مستمر آگاهی و دانش ویراستار: یکی دیگر از مزایای ویراستاری آن است که ویراستار به دلیل مطالعه تازه‌های علمی اعم از کتاب و مقاله قبل از انتشار عمومی همواره دانش عمومی یا تخصصی‌اش در حال افزایش است. بنابراین از لذت خواندن آثار و تازه‌های علمی قبل از نشر عمومی برخوردار است. فراتر از آن با افزایش غیر رسمی دانش و سواد علمی ویراستار، جایگاه علمی و شغلی وی به طور روزافزون ارتقا و تحکیم می‌یابد.

۵. ورزش فکری ویراستاری: ویراستاری و نگارش فقط کاربرد یکسری کلیشه‌های متعارف نیست، بلکه به دلیل تفاوت سبک نویسندگان گوناگون و به دلیل تنوع اشکالات و خطاهای ویرایشی متون متفاوت، ویراستار همواره باید از خلاقیت مستمر برای مواجهه با این موارد برخوردار باشد. از این روی ویراستاری نوعی ورزش فکری برای تقویت قوای فکری است، همان‌گونه که ورزش فیزیکی عضلات و بدن را تقویت می‌کند، پیامدهای ناخواسته ویراستاری نیز سازوکاری برای توانمندسازی قوای مغزی است و شاید در پیشگیری از آلزایمر مؤثر باشد.

۶. حفظ هویت ایرانی و تقویت زبان فارسی: ویراستاری و نگارش درست زبان فارسی با حفظ هویت ملی و ایرانی رابطه‌ای ناگسستنی دارد. زبان فارسی یکی از مهم‌ترین ارکان هویت ملی ایرانیان است. این زبان همچون سایر پدیده‌ها در معرض آسیب‌ها و بیماری‌هایی از داخل یا خارج از مرزها و زبان‌های بیگانه است. حراست از آن با موضوع درست‌نویسی و ویرایش ارتباط پیدا می‌کند؛ به طور مثال ادبیات محاوره‌ای در شبکه‌های اجتماعی و کوتاه‌نویسی و اختصارنویسی به دلیل عامل سرعت و کمبود زمان، اغلاط فاحشی ایجاد کرده است. تکرار مداوم این اغلاط به وسیله کاربران ممکن است در دراز مدت ضربات زیادی را بر زبان فارسی وارد کند. همان‌سان که ورود انبوه واژه‌های بیگانه به زبان فارسی ممکن است این خطر را به دنبال داشته باشد. زبان فارسی امروزه مرزهای ایران فرهنگی را تعیین می‌کند. در کنار قلمرو ایران سیاسی، امروز یک قلمرو فرهنگی ایران نیز وجود دارد و مرزهای این قلمرو فرهنگی را زبان فارسی تعیین می‌کند. همان‌طور که مفاخر فرهنگی ایرانی که آرامگاه یا جغرافیای زندگی‌شان اکنون در خارج از مرزهای کنونی ایران است و در داخل قلمرو و مرز سیاسی ایران قرار ندارند؛ اما در قلمرو ایران فرهنگی به شمار می‌آیند. با توجه به این مسئله اهمیت زبان فارسی بارزتر

می‌شود. سیاست‌های زبانی کمپانی هند شرقی در رویارویی با زبان فارسی در هندوستان و تغییر زبان فارسی به زبان انگلیسی در سال ۱۸۳۵ میلادی، یکی از ابعاد مهم اهمیت حفاظت از زبان فارسی را می‌رساند (بنگرید: خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

تذکرات

- مخاطبان هدف این کتاب دانشجویان رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هستند. دانشجویان ادبیات فارسی باید به کتاب‌های فنی و تخصصی خود مراجعه کنند. این کتاب حاصل تدریس چند ترم تدریس کارگاهی آن برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی و تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح و مستندسازی برخی از تجارب مرتبط نویسنده با ویرایش و نیز ثبت برخی اغلاط رایج در متون علوم سیاسی یا پایان‌نامه‌ها و مقالات است. نویسنده می‌کوشد برخی از پرسامدترین واژگان متون سیاست و روابط بین‌الملل و برخی از اشتباهات متداول را بررسی کند و به نوعی بین‌نگارش، ویراستاری و علوم سیاسی پیوند برقرار کند.

- در این کتاب نویسنده با استفاده از دانش تولید شده صاحب نظران ادبیات فارسی و ویراستاری، آن دانش را در خدمت مخاطبان علوم سیاسی قرار داده و به کاربرد آن در متون علوم سیاسی توجه داشته است. بنابراین نویسنده از یافته‌های صاحب نظران ادبیات فارسی بهره گرفته و آن را در زمینه رشته علوم سیاسی کاربردی کرده است. این کار از مصادیق بارز مطالعات میان رشته‌ای است، هرچند در حوزه علوم سیاسی این کار در آغاز راه است.

- در بخش ویرایش محتوایی و تخصصی مباحث کاملاً در حیطه صلاحیت صاحب نظران علوم سیاسی بوده و دیگر وجه علوم سیاسی آن غالب است؛ زیرا در زمره ویرایش فنی، زبانی و ادبی قلمداد نمی‌شود. یکی از توصیه‌های ویراستاران شناخته شده و با تجربه آن است که ویراستار ادبی در یک رشته خاصی هم تخصص داشته باشد. این توصیه به صورت معکوس راحت‌تر تحقق می‌یابد؛ یعنی یک متخصص در رشته علوم اجتماعی و سیاسی اگر دوره فنی ویراستاری را آموزش ببیند، این مسیر راحت‌تر تحقق می‌یابد.

- در نگارش این کتاب بر بیان «مطالب کاربردی» تأکید شده است. هدف آن است که دانشجویان علوم سیاسی آن را به مثابه یک «کتاب همراه» در نظر داشته باشند و از بروز بسیاری از کاستی‌ها جلوگیری کنند و از مراجعه به کتب گوناگون بی‌نیاز شوند. بنابراین بیان چرایی درستی و نادرستی واژه‌ها و عبارات و ترکیبات مدنظر نبوده است. به این ترتیب مواردی از

واژگان که در کتب مرجع چون غلط‌نویسیم (نجفی) پس از چند صفحه مباحثه در نهایت حکم به درستی هر دو صورت می‌دهد، از این مجموعه حذف و یا در چند سطر خلاصه شده است؛ چون خروجی عملیات ویرایشی نداشته است.

- یکی از مشکلات ویراستاری در عمل، به خاطر سپردن مصادیق و قواعد متعدد نوعی آن و بهنگام و بجا به خاطر آوردن و اعمال آن در متن است. یک راه ساده برای غلبه بر این مشکل آن است که برای هر قاعده «یک مثال بارز» را برجسته کرد و به خاطر سپرد و دیگر واژه‌ها را با الگوی ذهنی آن تطبیق داد. در این کتاب در مواردی مانند قاعده «لشکر» یا «امپراتور» این ابتکار اجرا شده است.

- انطباق موارد مصداقی واژگان یا موارد نوعی با شواهد علوم سیاسی و اجتماعی یکی دیگر از تفاوت‌های این مجموعه با آثار مشابه است. فراتر از آن از ذکر مباحثی چون «فرمول نویسی» به دلیل کاربرد نداشتن پرهیز شده است.

- این درس باید به صورت کارگاهی اداره شود و به صورت تمرین عملی هفتگی با سازوکارهای گوناگون اجرا شود. جستجو و پیدا کردن مصادیق عینی و اغلاط در متون سیاسی برای قواعد و مطالب تدریس شده یکی از این فعالیت‌هاست. پیگیری کلاس با ارائه متون پر غلط به دانشجویان برای عیب‌یابی و اصلاح و نیز «کارگاه مسئله‌محور» از دیگر فعالیت‌هاست. در این کارگاه دانشجویان متنی را ویرایش و در کلاس برای آن‌ها راه‌حل مناسبی پیدا می‌کنند. کارورزی در ناشران معتبر دولتی و خصوصی زیر نظر یک سرویراستار از دیگر شیوه‌های آموزش در عمل است.

- نکته آخر نسبت نگارش با ویرایش یا نویسنده با ویراستار است. احمد احمدی در این باب می‌گوید: «در واقع نسبت ویراستار و نویسنده همچون نسبت رفوگر است به خیاط و پیداست که هنر رفوگر از هنر خیاط بسیار ظریف‌تر و حساس‌تر است. بر این اساس باید گفت هر ویراستاری باید هنر نویسندگی داشته باشد اما عکس آن فراگیر و عام نیست» (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۱).

اصل نخستین برای درست نوشتن، آگاهی و مهارت خود «نویسنده» است؛ زیرا مفهومی را که او به شیوه خاص خود درک کرده است و می‌خواهد به خواننده منتقل کند، خودش بهتر از هر کس - و حتی بهتر از هر ویراستاری - می‌داند؛ و در صورتی که مهارت و اطلاع کافی داشته باشد، از هر کسی برای بیان درست‌تر آن سزاوارتر است. اما نویسنده ممکن است به دلایل مختلف و از جمله توجه جدی به بعدی از ابعاد موضوع یا نوشته، از بقیه ابعاد - به‌اندک یا بسیار - غافل بماند. کار ویراستار از اینجا شروع می‌شود (غلامحسین زاده، ۱۳۸۵: ۳). زیرا در

مرحله نگارش آنچه اصالت دارد، تنظیم و ترکیب یافته‌ها و ثبت ایده‌هاست نه مراعات املا و انشا و تعداد دندانه‌ها. بعد از آنکه کار نوشته به پایان رسید، کار ویرایش آغاز می‌شود. ویرایش، پاک‌نویس کردن چرک‌نویس نوشته است. در لحظه نگارش، ذهن نویسنده نباید درگیر نکات ریز ویرایشی شود. باید با شتاب و سرعت تمام نگارش مطالب را پی گرفت و اصلاح و رفع کاستی‌های ویرایشی را به زمان مرور و بازخوانی بعدی موکول کرد (نکونام، ۱۳۸۹: ۳۴۲). بنابراین نگارش و ویرایش موضوعی در هم تنیده است. اگر نگارش به درستی انجام شود، از «ویرایش» بی‌نیاز می‌شود. فاصله‌گذاری بین این دو در مواردی دشوار است. در تدوین کتاب هم این نکته در هم تنیدگی نگارش و ویرایش مد نظر بوده است.

سازماندهی مطالب

فصل اول کتاب درباره فلسفه وجودی این درس نوبنیاد و اهمیت آن در مهارت‌افزایی و چستی ادب سیاسی و تعامل آن با تحولات سیاسی و ویراستاری در سیاست و زبان دیپلماتیک سخن می‌گوید و وجه غالب آن سیاسی است. فصل دوم و سوم درباره شیوه خط و املا و فارسی درست کلمات و واژه‌های متشابه و نیز مواردی چون کاربرد نادرست فعل، حرف و جمله، بحث می‌کند و تا حدودی با مثال‌های سیاسی، «علوم سیاسی‌سازی» شده است. در واقع در فصل دوم مباحث صرفی واژگان و در فصل سوم مباحث نحوی و دستور زبان بررسی شده است. در فصل چهارم به پاراگراف‌نویسی، ویرایش عنوان و گزارش سیاسی و در فصل پنجم به بررسی مصداق واژه‌های سیاسی پرداخته شده است. بنابراین فصل اول، چهارم و پنجم با وجه غالب سیاسی و فصل دوم و سوم با وجه غالب ادبیات فارسی تدوین شده است. با این همه نویسنده کوشیده است تا در همین دو فصل دوم و سوم هم در ظرف ادب فارسی، مظهر و سیاسی بریزد و تا حد امکان شواهد و مثال‌های سیاسی برای موضوعات بیاورد.

تجربه نشان داده است هنگامی که درس جدید و نوبنیادی در رشته‌ای تعریف می‌شود دو مشکل برای عملیاتی کردن آن رخ می‌دهد: اول تأمین استاد برای تدریس آن و دوم تهیه کتاب درسی مناسب برای آن. این اثر اولین کتاب درسی در حوزه علوم سیاسی و نوعی افق‌گشایی است. بنابراین باید با گام‌های بعدی نویسنده و دیگر تلاش‌گران کاستی‌های آن برطرف شود. استاد نمی‌تواند ده‌ها کتاب و مقاله را به دانشجوی ارائه کند. تدوین مطالب متناسب با نیاز رشته علوم سیاسی در حجم حدود ۲۰۰ صفحه کمک زیادی به تحقق هدف آموزش می‌کند.

در پایان قابل ذکر است در نگارش این اثر از همکاری شماری از دانشجویان ارجمند و همفکری برخی استادان علوم سیاسی و ادبیات فارسی بهره گرفته‌ام. از مشورت استادان زبان فارسی آقای دکتر عباسعلی وفایی در برخی موارد استفاده کرده‌ام و به ویژه از آقای دکتر اصغر اسکندری و دکتر محمدرضا دهشیری و آقای دکتر محمود جوان، که با مطالعه کامل و دقیق متن نکات ارزشمندی را متذکر شدند، سپاسگزاری فراوان دارم. از سرکار خانم مریم سمیاری و سرکار خانم منصوره مستوفی، که در مراحل آماده‌سازی متن برای چاپ مساعدت داشته‌اند، تشکر می‌نمایم.

کلیات

چیستی و اهمیت ادب سیاسی

- زبان و سیاست رابطه‌ای دیرینه دارند و سیاست‌مداران همواره در کنار «زور» از اقناع و قدرت اقناعی که از طریق زبان و واژگان اعمال می‌شود، بهره می‌گیرند. این قدرت اقناعی می‌تواند با مفهوم «مشروعیت» هم پیوند برقرار کند. به این معنا که در ذهنیت مردم جا افتد که آنان شایسته حکومت کردن هستند و می‌توان از آنان اطاعت کرد (مشروعیت سازی) یا برعکس زبان و قالب‌های متفاوت آن نظیر شعر سیاسی، طنز سیاسی و رمان سیاسی می‌تواند این مشروعیت را خدشه دار کند (مشروعیت زدایی).

- زبان و کوچک‌ترین واحد مستقل و معنادار آن یعنی واژه، ظرفیت کاربرد دوگانه اقناعی یا اغوایی و یا مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌زدایی را دارد. اینجاست که خطر سیاسی «تحریف کلمات» از معنای واقعی آن همواره وجود دارد. همان سان که سوء استفاده از واژه دموکراسی یا حقوق بشر، عدالت و آزادی در راه مقاصد سیاسی قدرت‌های حاکم مشاهده می‌شود. علی اکبر امینی از این مسئله با عنوان «رعایت نکردن بهداشت کلام» یا «کاربرد نادرست کلمه در سیاست» نام می‌برد و با نقل قولی از کنفوسیوس آن را مستدل می‌سازد (امینی، ۱۳۹۰: ۵۷):

باید کاری کرد که واژه‌ها در معنای درست خود به کار روند، باید محتوای آن‌ها را باز یافت. بگذار تا امیرامیر باشد، پدر، پدر باشد؛ اما مدام خیانت می‌شود و واژه‌ها دیگر با مدلول خود مطابقت ندارند، هستی و زبان از یکدیگر جدا می‌شوند. وقتی زبان آشفته گردد، همه چیز دچار آفت می‌شود (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۴۷).

پیوند ژرفی بین سیاستمداری و نویسندگی از دیرباز تا کنون وجود داشته است. خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری اقشار جامعه را به چند طبقه تقسیم کرده است: اهل قلم، اهل شمشیر، اهل معامله و اهل مزارعه (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۳۰۵). لمپتون بر

همین اساس اهل قلم را عامل تداوم و اهل شمشیر را عامل تحول دانسته است (لمپتون، ۱۳۷۲: ۲۴۵ و ۳۷۸). اهل شمشیر، سیاستمداران و پادشاهان بودند که نوعاً فرماندهی سپاهیان را هم در دست داشته‌اند. اهل قلم، نویسندگان دیوانی بودند که تشکیلات دیوانی را در دست داشتند و در رأس آنان هم صدراعظم و وزیراعظم قرار داشته است. به طور مثال خواجه نظام‌الملک طوسی و بعدها فرزندانش نسل در نسل اداره دولت سلجوقیان را در دست داشتند. گاهی حتی با فروپاشی دولت مرکزی در ایران نظیر حمله اعراب مسلمان باز این اهل قلم و دیوان سالاران تا مدت‌ها به کار خود ادامه داده‌اند و حتی مکاتبات اداری را به زبان فارسی ادامه داده‌اند. جهشیاری (۱۳۴۸) وضعیت کاتبان و اهل قلم از دوره پیامبر (ص) تا آخر خلافت عباسی را بررسی کرده است.

یکی از متون کلاسیک از این دیوان سالاران کتاب سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۲) است که علی‌رغم گذشت حدود هزار سال از نگارش آن همچنان متن آن به روز است و برای مخاطبان امروزی قابل فهم است. حتی به نویسندگان جوان توصیه می‌شود که آن را بارها بخوانند و از آن در نویسندگی الهام گیرند. در واقع این کتاب برای همه رشته‌های علوم انسانی قابل استفاده است و هر کس بهره خاص خود را از آن می‌برد. به همین دلیل هم اکنون در رشته‌های علوم سیاسی، ادبیات فارسی، جامعه‌شناسی و مدیریت و جز آن تدریس می‌شود.

با این همه به طور نادر اتفاق می‌افتاد که نوعی هم‌پوشانی بین اهل شمشیر (سیاستمداران پادشاه) و اهل قلم (وزیران دیوان سالار) برقرار می‌شد. یکی از آن موارد پادشاهی آقا محمدخان قاجار است. این پادشاه علی‌رغم خشونت و کارهای ناپسندش، از کودکی کتاب‌خوان بوده است. کتاب جزئی از نیازهای اولیه روحی او شده بود. حتی در دوران اسارت طولانی مدت در دربار کریم‌خان همواره اهل مطالعه و معاشرت با علما بود. بعد از پادشاهی هم این کار خود را ترک نکرده بود. وی شیخ جعفر تنکابنی را به عنوان: «کتاب‌خوان» استخدام کرده بود تا برایش کتاب بخواند. حتی در سفرهای جنگی با خود کتاب می‌برد. عدم اشتغالات خانوادگی به زن و فرزند و حرمسرا و خواجه بودن را یکی از دلایل علاقه‌مندی وی به کتاب و نوشتن و سرگرمی دانسته‌اند (مستوفی، بی‌تا، ج ۲: ۵؛ گوره، ۱۳۶۳: ۴۲۷). همین فراغت و سواد و دانش بر رابطه او با اهل قلم یا دبیران و صدراعظم‌ها اثر گذاشته و رابطه‌ای انحصاری ایجاد کرده بود که در میان پادشاهان بی‌سابقه بود. در واقع به حیطه «اهل قلم» وارد شده بود و کارهای آنان را دقیق رصد می‌کرد (مستوفی، بی‌تا، ج ۱: ۵ و ۱۱). اصولاً آقا محمدخان اهل قلم را تحقیر می‌کرد و آنان را «فرنی‌خور» می‌نامید. یکی از تأثیرات اشراف ادبی و علمی وی بر

دیوانیان آن بود هنگامی که نامه‌ها و مکاتبات اداری را برای وی می‌نوشتند و یا می‌خواندند و معمولاً این کار را با مقدمه و مؤخره طول و تفصیل می‌دادند، بر آنان اعتراض می‌کرد که این‌ها را حذف کنید و «لب مطلب» را بگویید و یا در نوشته‌های آنان این مطالب را حذف می‌کرد. بنابراین می‌توان آقامحمدخان قاجار را یکی از پیشگامان «ویراستاری در متون سیاسی و اداری» قلمداد کرد که تأثیرات چشمگیری از این حیث از خود برجای گذاشت. بعدها امیرکبیر به عنوان صدراعظم به نوعی این خط سیر را ادامه داد و بر حذف مطالب حاشیه‌ای مطول در مکاتبات اداری تأکید کرد. وی دستور داد لقب‌های طولانی و بی‌معنی حذف و به کلمه «جناب» حتی نسبت به مقام صدارت اکتفا شود؛ بنابراین متون سیاسی، مهارت نویسندگی و ویراستاری سابقه‌ای طولانی دارد.

قائم‌مقام فراهانی صدراعظم محمدشاه هم با منشآت و سایر نوشته‌های خود نقش مهمی داشته است. ملک‌الشعراى بهار، شیرینی بیان و کوتاهی جملات و پرهیز از تکرار مکررات را، جز در مواردی که بلاغت کلام ایجاب می‌کرد، از ویژگی‌های نثر قائم‌مقام می‌داند (شهابی، ۱۳۸۵: ۲۲۱). به نظر مستوفی نثر دوره صفویه و قاجاریه آن‌قدر قلمبه‌گویی و مغلق‌گویی داشته است که کسی رغبت نمی‌کند یک سطور از نوشتجات را بخواند. قائم‌مقام لغات مأنوس مصطلح به کار برده و شالوده نثر نویسی امروز را ریخته است. قائم‌مقام فراهانی با قریحه خداداد در نثر فارسی و یک تنه اسلوب نویسندگی را عوض کرده و آن را به پایه دوره‌های قبل برگردانده است (مستوفی، بی‌تا، ج ۲: ۴۴).

تأثیرات متقابل تحولات سیاسی و ادب فارسی

تحولات سیاسی بر زبان و ادب فارسی تأثیرگذار است و موضوعی برای مضمون‌آفرینی ایجاد می‌کند و می‌تواند به خلق واژه‌های جدید بینجامد و یا واژگانی را پرکاربرد و پر بسامد کند یا برعکس واژگانی را بی‌رونت و مهجور سازد. این تحولات می‌تواند در ساحت‌های نثر سیاسی، شعر سیاسی، طنز سیاسی، داستان و رمان سیاسی بازتاب داشته باشد و یا حتی سبک ادبی خاصی را ایجاد کند. ادبیات دوره مشروطه، ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات جنگ تحمیلی جلوه‌هایی از این تأثیرپذیری از تحولات سیاسی-اجتماعی است.

یکی از موارد مهم تأثیرپذیری زبان فارسی از تحولات سیاسی-اجتماعی در دوره معاصر، «ساده نویسی» است. با ورود مدرنیسم در ایران معاصر، در زبان فارسی نیز تغییراتی رخ داد و زبان پیشامدرن دچار تحولاتی شد. زبان فارسی هم در برخورد با عوامل و ایده‌هایی که

از جهان بیرون به ویژه از اروپا و آمریکا به درون آن سر ریز می کرد، دگرگون شد (آشوری، ۱۳۷۲: ۱۰).

با جنبش مشروطیت، دگرگونی زبان اجتناب ناپذیر شد. «زیرا مخاطب تغییر کرد. دیگر مخاطب کتاب‌ها و نوشته‌ها فقط پادشاهان و وزیران و اهل قلم نبودند، بلکه عموم مردم بودند. زبان نوشتار باید از قالب سخت و کهنه و سفت خود و همچنین از مکتب خانه‌ها و مدرسه‌ها و محفل‌های در بسته به درآید و بر سر کوچه و بازار بیاید و روی سخن با هزاران هزار داشته باشد و احساسات و افکار آن‌ها را در جهت تازه‌ای برانگیزد. از این رو ناگزیر باید پوست بیندازد و هر چه ساده‌تر و عریان‌تر شود تا بهتر و زودتر فهمیده شود» (آشوری، ۱۳۷۲: ۲۸).

ایرانیان پس از اسلام ساده نویس بودند. «سبک خراسانی» در حقیقت سبکی است که از پیچیدگی و تکلف و تصنع بیزار است. بلعمی، ناصر خسرو، رودکی و فردوسی نویسندگان پیرو سبک خراسانی هستند. بعد از ظهور نثر مسجع و سپس نثر مصنوع و متکلف، باز باب ساده‌نویسی بسته نشد. در دوره قاجار بسیاری از پیشگامان نوگرایی نظیر عباس میرزا، میرزا ابوالقاسم فراهانی، امیرکبیر و میرزا حسین خان سپه سالار خواهان اصلاح دشوارنویسی بودند (بنگرید امینی، ۱۳۹۰: ۲۲۳). «گرایش به سوی تجدد بیش از هر چیز بر شعر و نثر فارسی تأثیر نهاد. در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات فارسی، شعر این قدر با سیاست آمیخته نشده بود و بر مأموریت خود برای ایجاد تحول در نظام اجتماعی آگاهی نیافته بود». (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۶: ۲۱۴). کشمکش سنت و مدرنیسم در میدان زبان فارسی کهنه و زبان فارسی نو نیز بازتاب پیدا کرده است. یکی از تجلیات ملموس آن غلبه «ساده‌نویسی» در زبان نوشتاری است.

در دوران قاجاریه و در اواخر سده سیزدهم، برخی از نویسندگان دوباره به سوی سبک ساده و روان متداول در سده‌های چهارم و پنجم گرایش پیدا کردند. زبان نثر به تدریج ساده‌تر شد و از قید صنایع لفظی رها و القاب و تعارفات نابجا تا حدودی کنار گذاشته شد. در دوره قاجاریه به سبب ارتباط نزدیکی که بین ایران و اروپا آغاز شده بود، مبادلات فرهنگی نیز برقرار شد. کارشناسانی در امور نظامی، مهندسی و پزشکی به ایران آمدند و نیز دانشجوی و کارآموز در رشته‌های مختلف به اروپا رفتند. گروهی از مردم با زبان و ادبیات فرانسوی، انگلیسی و روسی آشنا شدند. در نتیجه ترجمه کتاب‌های گوناگون علمی، فنی، اجتماعی، رمان و داستان به زبان فارسی آغاز شد. گرایش به سوی روزنامه نگاری و نوشتن مقالات سیاسی و اجتماعی نیز به تدریج قوت گرفت.

با آغاز انقلاب مشروطیت، روزنامه‌های بیشتری انتشار یافت و گروهی از ایرانیان در آن‌ها به نوشتن و نشر مطالب پرداختند. آنان افکار سیاسی و اجتماعی خود را به زبانی ساده و روان که برای عامه مردم قابل فهم بود می‌نوشتند. آزادی بیان سبب شد که برشمار نویسندگان ساده نویس و مردم پسند افزوده شود. بر اثر این تحولات، شیوه نویسنده‌گی، ساده و بی‌پیرایه و به زبان گفتار نزدیک شد. کاربرد زبان گفتار در نوشتار، نویسنده‌گی را برای بسیاری از طبقات مردم آسان کرد.

از سوی دیگر بسیاری از کسانی که شایسته‌گی نویسنده‌گی نداشتند و از معلومات کافی بی‌بهره بودند و حتی زبان فارسی را نیز به طور عادی نمی‌دانستند، نیز به کار نویسنده‌گی پرداختند و در نتیجه غلط‌های دستوری و ترکیبات نامناسب بسیاری وارد نوشتار فارسی شد. ساده‌نویسی با نزدیک کردن زبان نوشتار به زبان گفتار و محاوره تحقق یافت. «ساده‌نویسی با زبان محاوره پیوند دارد. لیکن این به معنای یکی بودن و همسایه بودن آن‌ها نیست. اگر بخواهید محاوره‌ای را که روی نوار ضبط شده است، تحریر کنید، بی‌گمان بسیاری از عبارات باید دستکاری شود تا نوشته مطلوب به دست آید» (سمیعی، ۱۳۹۵: ۴۶). این اتفاق در اواخر قاجاریه افتاد. «ساده‌نویسی به ویژه در برخی از مکاتیب دوره قاجاریه و عصر حاضر رونق گرفت. شواهد اصیل و بارز آن را در منشآت قائم مقام می‌توان سراغ گرفت (سمیعی، ۱۳۹۵: ۴۷).

پیشینه ویرایش در جهان اسلام

برخی ویرایش و ویراستاری را به دوره تأسیس «بیت الحکمه» که آثار بسیاری از دانشمندان به عربی ترجمه شد، نسبت می‌دهند. از آنجا که اکثر مترجمان عرب زبان نبودند، در ترجمه‌های آنان اشکالات زیادی وجود داشت؛ بنابراین چنانچه از منابع و مهم‌ترین آن‌ها *الفهرست* ابن ندیم بر می‌آید، «تجدید نظر» در این ترجمه‌ها و «اصلاح» آن‌ها به صورت «حرفه‌ای خاص» درآمد. به طور مثال «کندی» که خود به عنوان یک متفکر سیاسی پیش از فارابی مطرح است، یکی از این افراد است که کارش اصلاح و تصرف در بیان مطلب ترجمه شده برای رساتر کردن آن و پیشنهاد بهترین اصلاحات فنی بود (عبدالرحمن بدوی، ۱۳۶۲: ۱۹؛ به نقل از شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۰۴).

دو اصطلاح «تجدید نظر کردن» در ترجمه متن یا «اصلاح» و رسا کردن مطلب چنان که مهدی محقق (۱۳۶۹: ۱۵۰؛ به نقل از شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۰۵) نیز اشاره کرده همان است که امروزه مترجمان آن را «ویراستاری» می‌گویند. تجدید نظر کننده‌ها به زبان عربی و

«اصلاح‌کننده‌ها» بر رشته‌های علمی خاص مسلط بودند. از این رو این دو از شرایط ویراستاری است.

پیشینه ویرایش در ایران

ویراستاری از زمان‌های دور در ایران سابقه داشته است. در روزگار گذشته نیز افرادی که کاتب بوده‌اند، نسخه‌های خطی را برای مؤلف قرائت و پس از مقابله با وی، اثر را تصحیح و صافی می‌کردند. این عمل را تحریر نامیده‌اند که در لغت‌نامه دهخدا به معنای نیکو کردن و آراستن سخن ذکر شده و فردی که این کار را انجام می‌داده، «محرر» نامیده شده است.

ویرایش به شکل حرفه‌ای آن همانند حرفه‌های دیگر، سیری تدریجی و تکاملی را طی کرده که ابتدایی‌ترین مرحله آن «تصحیح متون کهن» فارسی است (محقق، ۱۳۶۹: ۱۵۰؛ به نقل از شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۱۰). از سردمداران این کار محمدبن عبدالوهاب قزوینی است که تذکرة الاولیاء را در سال‌های ۱۲۸۴-۱۲۸۷ و مرزبان‌نامه را در سال ۱۳۱۱ در تهران به طبع رساند (شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۱۱). مرحله دوم این پیشینه، تدوین دستور زبان فارسی است که دو نقطه عطف دارد: یکی دستور زبان فارسی عبدالعظیم قریب (۱۲۸۷ش) و دیگری دستور زبان فارسی پنج استاد (۱۳۲۸-۱۳۲۹) (شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۱۰).

عبدالعظیم قریب کتاب دستور زبان خود را به شیوة زبان‌های مغرب زمین تدوین کرد. مطالب کتاب طبقه‌بندی شده است و از نظر سنگینی و دشواری مطالب روندی منطقی و تدریجی دارد. ابتدا از هر مقوله تعریفی کوتاه می‌کند و سپس جزئیات مطلب را به کمک تعداد کافی مثال شرح می‌دهد و در پایان نیز تمرین‌هایی برای آزمون و افزایش تسلط خواننده به دست می‌دهد (شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۲۸). این دو کتاب تا سال ۱۳۳۲ ه. ش همچنان پش‌تاز بودند و بعد از آن افرادی چون سعید نفیسی، بهار، جلال همایی، علی‌اکبر دهخدا، محمد معین، محمد قزوینی و حبیب آموزگار را می‌توان از پیشگامان ویرایش در ایران نام برد (شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۲۹). از عمر ویرایش حرفه‌ای در صنعت نشر ایران بیش از چند دهه نمی‌گذرد و عمر کلمه «ویرایش» از این هم کمتر است. از پیشگامان ویرایش حرفه‌ای و ویراستاران بنام می‌توان از افرادی چون ابوالحسن نجفی، احمد سمیعی گیلانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی، نجف دریابندری و کریم امامی نام برد. ابوالحسن نجفی با اثر ارزشمند غلط‌نویسیم جایگاه ویژه‌ای دارد و این اثر مرجعی برای همه ویراستاران است (شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۵۵).

ویراستاری به مثابه حرفه و شغل

منظور از ویرایش حرفه‌ای انتخاب «ویرایش» به مثابه «شغل» است. ویراستار حرفه‌ای از بهر معیشت کار می‌کند. او کتاب‌ها یا مقالات مجله‌ها را بعد از تألیف یا ترجمه و پیش از طی مراحل فنی چاپ، از نظر نگارشی و موارد دستوری و املائی بررسی می‌کند. اول آنکه این کار به نفع ناشران است که باید با پیشگیری از اغلاط و یا عبارات نامفهوم از حیثیت خود پاسداری کنند.

دوم آنکه لغزش‌ها و کوتاهی‌های نویسندگان نیز جبران می‌شود و در نتیجه از یک سو شهرت و حیثیت آنان فزونی می‌گیرد و از سوی دیگر در فرایند ویرایش نکاتی می‌آموزند که کتاب بعدی‌شان را بهتر می‌کند.

سوم آنکه خوانندگان نیز خوشحال می‌شوند از اینکه غلط‌های املائی حواسشان را به خود معطوف نمی‌دارد یا ابهام‌ها گیجشان نمی‌کند و برعکس، از تعبیرهای لطیف لذت می‌برند (استیتون، ۱۳۷۳: ۳؛ به نقل از شاهی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۵۴).

ویراستاری در متون سیاسی

نگارش و ویراستاری در متون سیاسی، یک درس «میان رشته‌ای» است و در مناطق مرزی علوم سیاسی و ادبیات فارسی قرار دارد. دروس میان رشته‌ای هرچند از ترکیب دو رشته ساخته می‌شود؛ اما تفکیک بعد از ترکیب بعضاً امکان‌پذیر نیست؛ یعنی به سبب جدید و چیز سومی می‌رسد که نه اولی است و نه دومی. ویراستاری در علوم سیاسی، کاربرد یافته‌های ویراستاری محض و ادبی در متون سیاسی است. این کار در زمین سیاست انجام می‌شود. به عبارت دیگر یافته‌های تولیدی و اجتهادی صاحب‌نظران رشته ادبیات فارسی از لحظه‌ای به مثابه پاس گل در زمین سیاست می‌آید و کاربردی در سیاست پیدا می‌کند. علوم سیاسی دانان در تولید و فرایند اجتهادی ادبیات فارسی دخالتی ندارند؛ همان گونه که در استخراج ضریب جینی اقتصادی، صاحب‌نظران سیاسی دخالتی نمی‌توانند داشته باشند و این امر یک حوزه کاملاً تخصصی علم اقتصاد است. اما از لحظه‌ای که عدد اعشاری ضریب جینی در هر مقطع زمانی اعلام می‌شود، این داده دیگر به اقتصاددانان اختصاص ندارد و صاحب‌نظران علوم سیاسی و اجتماعی نیز می‌توانند آن را به مثابه پاس گل در زمین سیاست به کار گیرند و به طور مثال نتیجه‌گیری کنند که چون ضریب جینی افزایش یافته، پس شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی افزایش یافته است و در نتیجه «بی‌ثباتی سیاسی» بیشتر خواهد شد.

همین نکته را می‌توان در روان‌شناسی سیاسی مثال زد. صاحب نظران علوم سیاسی از یافته‌ها و داده‌ها و نظریه‌های تولید شده روان‌شناسان استفاده می‌کنند. صاحب نظران علوم سیاسی در فرایند تولید نظریه‌های روان‌شناسی نقشی ندارند؛ اما صاحب نظران سیاست این نظریه‌های روان‌شناختی را در زمین سیاست و در خصوص پدیده‌های سیاسی، فرایندهای سیاسی و شخصیت‌های سیاسی کاربردی می‌کنند و نتیجه‌گیری‌های جالبی در سیاست انجام می‌دهند. بنابراین سخن از کاربردی کردن این یافته‌های روان‌شناختی در زمین سیاست و گرفتن پاس گل از روان‌شناسی و آمدن در زمین سیاست و زدن گل در حوزه تخصصی سیاست است.

به همین قیاس «ویراستاری در متون سیاسی» نیز کاربردی در علوم سیاسی پیدا می‌کند. صاحب نظران سیاسی ضمن حفظ حریم رشته ادبیات فارسی، از یافته‌های آن در زمین سیاست بهره‌برداری می‌کنند. یافته‌های ویراستاری محض در متون سیاسی، کاربردی می‌شود. ظرایف محتوایی و تخصصی علوم سیاسی را سیاست‌دانان بهتر می‌دانند، آنان بهتر می‌توانند اصلاحات محتوایی در متون تخصصی را انجام دهند.

وجه سیاسی ویراستاری

چه رابطه‌ای بین ویراستاری و درست‌نویسی در زبان فارسی با سیاست در ایران وجود دارد؟ امید طیب‌زاده از آن با عنوان «برنامه‌ریزی زبانی» (language planning) یاد می‌کند. وی با طرح این پرسش که چرا کتاب ابوالحسن نجفی در ایران آن هم در آن شرایط حساس جنگ و بمباران شهرها در سال ۱۳۶۶ چنان اهمیتی یافت، بحث «برنامه‌ریزی زبانی» را مطرح می‌کند. پاسخ این پرسش از زبان نجفی آن است که «من تصور می‌کنم علت این استقبال صرفاً به جذابیت کتاب مربوط نمی‌شود، بلکه علقه دیگری در آن دوره حاکم بر اوضاع جامعه بوده که باعث این شور و استقبال شده است، شاید در آن زمان خاص، مسئله حفظ زبان فارسی، یا مسئله ملیت مطرح بوده که این کتاب با استقبال مواجه شد... شاید مردم، هویت ملی و در نتیجه زبان خود را در معرض خطر می‌دیدند» (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۸۵؛ به نقل از طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۳). به نظر طیب‌زاده پاسخ پرسش آن است که مردم ایران این کتاب را نوعی برنامه‌ریزی زبانی برای هرچه معیارتر کردن نوشتار فارسی قلمداد کرده‌اند. برنامه‌ریزی زبانی، تلاشی هدفمند و آگاهانه است برای تغییر یا کنترل رفتارهای زبانی اهل زبان در یک جامعه. این گونه برنامه‌ها معمولاً دولتی است. چون باید ضمانت اجرایی داشته باشد. اما در ایران این وظیفه در طول تاریخ

همواره به عهده شاعران و نویسندگان بوده و تنها در دوره‌های متأخر مراکز یا نهادهای دولتی به طور مستقیم یا غیر مستقیم عهده‌دار آن شده‌اند. در زمره این برنامه‌ها می‌توان از معادلیابی یا واژه‌گزینی برای اصطلاحات علمی فرهنگی در واژگان و واژه‌نامه‌های علمی یاد کرد که به طور جدی در مرکز نشر دانشگاه‌ها شروع و سپس به فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی منتقل شد. ایرانیان کتاب غلط نویسیم را گامی برای دستیابی به «زبان معیار» خود قلمداد کردند (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۴ و نیز ر. ک.: مسیب‌زاده، ۱۳۶۷). این کتاب، کتاب دستور زبان نیست و هدف آن نه توصیف زبان فارسی، بلکه تجویز شیوه معیار نگارش فارسی است. وجود چنین کتابی برای یکدست کردن و معیارتر کردن نثر رسمی و معاصر فارسی لازم است و ضروری است که هر چند سال یک‌بار مورد تجدید نظر قرار گیرد و با تفصیل بیشتری منتشر شود (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۴). البته اجماع کامل بر سر آن بین صاحب نظران نیست؛ علی‌اشرف صادقی و باطنی نقدهایی بر آن وارد کرده‌اند و نجفی خود گفته است بخش‌های بسیاری از ویرایش دوم کتابش را دیگر قبول ندارد (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۴). فرهنگستان زبان فارسی متولی آن است. در زبان فرانسوی نیز چنین حساسیتی به زبان معیار و اصطلاحات آن وجود دارد. به طور مثال نخست وزیر وقت فرانسه ژان مارک آبرو به اعضای هیئت دولت این کشور دستور داده است تا از کلمات انگلیسی استفاده نکنند. وی با لحنی تحکم‌آمیز به وزیرانش گفته است زبان رسمی این کشور فرانسوی است. این دستور نخست وزیر منجر به این شد که وزارت فرهنگ فرانسه فهرستی از واژه‌های انگلیسی را منتشر کند که به کارگیری آن‌ها در زبان فرانسوی ممنوع شده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۲/۱۲ شماره ۲۵۵۸۱: آخر).

بنابراین «ویراستاری در متون سیاسی» داده‌ها و یافته‌های اولیه ادبیات فارسی را در «زمین علوم سیاسی» به کار می‌گیرد و با مثال‌ها و کاربردهای سیاسی عملیاتی می‌کند. فراتر از آن در ویرایش محتوایی هم به طور کامل وجه تخصصی پیدا می‌کند. آغازه‌ها و کوتاه‌نوشته‌ها در سیاست به کار می‌رود. معادل‌های درست واژه‌ها در سیاست مورد بحث قرار می‌گیرد. زبان دیپلماتیک و ارتباط زبان و سیاست با زبان فارسی و هویت ملی در کانون توجه قرار می‌گیرد. به حساسیت‌های واژگانی در سیاست و روابط بین‌الملل و بار ارزشی متفاوت آن‌ها توجه می‌شود. واژه‌سازی و مفهوم‌سازی در سیاست از سوی صاحب نظران و طراحی معادل آن‌ها در اینجا بحث می‌شود. کوتاه سخن آنکه موارد زبانی و رسم‌الخط که به نوعی بحث زبانی است، در زمین رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل کاربردی می‌شود و بر مثال‌های تخصصی تمرکز می‌گردد. موارد ویرایش محتوایی آن که به طور ذاتی خود علوم سیاسی است و جنبه تخصصی دارد.